



و این اولین تجربه‌ی او به عنوان فیلمنامه‌نویس در سینما بود که با یک سینماگر بزرگ نئورئالیستی ایتالیا آغاز شد و با نوشتن فیلم‌نامه‌ی [171#&ماجرا](#); برای آنتونیونی ادامه پیدا کرد.

فیلم [171#&ماجرا](#) (1960); آغاز همکاری طولانی گوئرا و آنتونیونی بود که با فیلم‌های [171#&شب](#); و [171#&کسوف](#); ادامه پیدا کرد و به یک سه‌گانه‌ی زیبا و ماندگار تبدیل شد. زمانی که فیلم [171#&ماجرا](#); در جشنواره‌ی کن به نمایش درآمد، مورد اعتراض تماشاگران قرار گرفت، اما برخی از منتقدان و فیلمسازان از جمله [171#&روسلینی](#); به تمجید از مدرنیسم جسورانه و نگاه شاعرانه و عمیقاً انسانی آن پرداختند.

[171#&آگراندیسمان](#) (1967); فیلمی بود با درون‌مایه‌ی تردید و عدم قطعیت در مفهوم واقعیت که آنتونیونی آن را بر اساس فیلمنامه‌ای از [171#&گوئرا](#); ساخت. این فیلم جایزه بزرگ جشنواره‌ی کن را به دست آورد. پس از آن گوئرا فیلم‌نامه‌ی [171#&قله‌ی زابریسکی](#); را برای آنتونیونی نوشت که درباره‌ی عصیان دانشجویی در آمریکا بود که به اتهام ارائه‌ی تصویری نادرست از آمریکا به شدت مورد انتقاد منتقدان قرار گرفت.

همکاری گوئرا و آنتونیونی در چند فیلم دیگر از جمله [171#&صحرای سرخ](#) (1964); [171#&راز اوبروالد](#); (1981); [171#&شناسایی یک زن](#) (1982); [171#&آنسوی ابرها](#) (1995); و در آخرین فیلم آنتونیونی یعنی فیلم [171#&اروس](#); که مشترکاً با استیون سودبرگ و [171#&وونگ کار وای](#); ساخت، ادامه پیدا کرد.

[171#&آمارکورد](#); یکی از مهم‌ترین آثار فدریکو فلینی و به یادماندنی‌ترین همکاری او با تونینو گوئرا بود که این فیلمنامه‌نویس بزرگ را نامزد جایزه‌ی اسکار کرد. فلینی دوست نزدیک و دوران کودکی گوئرا بود، اما همکاری سینمایی آنها خیلی دیر و در سال 1973 با فیلم [171#&آمارکورد](#); آغاز شد. گوئرا در این فیلم تجربه‌های کودکی مشترک خود با فلینی در شهر کوچک ساحلی رومانا را به فیلمنامه تبدیل کرد که به یکی از آثار شاخص فلینی تبدیل شد.

[171#&آمارکورد](#); فلینی را برای چهارمین بار برنده‌ی اسکار بهترین فیلم خارجی کرد و گوئرا نیز به خاطر آن نامزد دریافت بهترین فیلمنامه شد. این فیلم تصویری از یک شهر کوچک و زندگی خانواده‌های سنتی و متعصب ایتالیایی در دهه‌ی 30 و دوران شکل‌گیری فاشیسم بود.

همکاری گوئرا با فلینی با فیلم‌های [171#&کشتی به راهش ادامه می‌دهد](#) (1983); و [171#&جینجر و فرد](#); (1985); ادامه یافت. فلینی از گوئرا خواست که فیلمنامه‌ی [171#&شهر زنان](#); را نیز برای او بنویسد، اما گوئرا به دلیل مشغله نتوانست با او در این فیلم همکاری کند.

همکاری گوئرا با [171#&تئو آنجلوپولوس](#); کارگردان نامدار و فقید یونانی از دوره‌های خلاقانه و پرثمر در کارنامه‌ی سینمایی گوئرا محسوب می‌شود؛ تا جاییکه آنجلوپولوس درباره‌ی این همکاری گفته بود تونینو مدت 20 سال، روانکاو وی بوده است. با این که آنها از دو فرهنگ متفاوت بودند، اما ریشه‌های فکری و ذوق مشترکی داشتند که آنها را به هم پیوند می‌داد. هر دو شاعر بودند و به سینما از دریچه‌ی شعر و فلسفه نگاه می‌کردند و کارهایشان در بستر سینمای عمیق و اندیشمندانه‌ی اروپا ساخته می‌شد.

همکاری گوئرا و آنجلوپولوس در سال ۱۹۸۴ با فیلم [171#&سفر به سیاترا](#); آغاز شد و با فیلم‌های [171#&پرورش‌دهنده‌ی زنبور عسل](#) (1986); [171#&چشم‌اندازی در مه](#) (1988); [171#&گام‌های معلق لک‌لک](#); (1991); و [171#&ابدیت و یک روز](#) (1998); و [171#&دشت گریان](#) (2004); ادامه یافت.

گوئرا و آنجلوپولوس به کمک یکدیگر سه دهه تاریخ معاصر یونان را ورق زدند و داستان‌هایی تراژیک و غمناک درباره‌ی تبعیدیان چپ، مهاجران و روشنفکران افسرده و ناامید خلق کردند. گوئرا برای فیلمنامه‌ی [171#&سفر به سیاترا](#); جایزه‌ی بهترین فیلمنامه را از جشنواره‌ی کن در سال 1984 دریافت کرد.

آشنایی گوئرا با [171#&آندری تارکوفسکی](#);، سینماگر نابغه‌ی روسیه از جشنواره‌ی فیلم ونیز آغاز شد که در آن تارکوفسکی جایزه‌ی شیر طلا را برای فیلم [171#&کودکی ایوان](#); دریافت کرد.

گوئرا از تارکوفسکی دعوت کرد که به ایتالیا بیاید، اما دولت شوروی سابق اجازه‌ی سفر به تارکوفسکی را نداد تا این که در سال 1980 تارکوفسکی موفق شد به ایتالیا سفر کند و به کمک گوئرا فیلم مستند [171#&سفر در زمان](#); را برای شبکه‌ی تلویزیون [171#&رای](#); بسازد که مقدمه‌ای برای همکاری آنها در فیلم [171#&نوستالژیا](#); بود؛ فیلمی به شدت شخصی که بیانگر وضعیت تارکوفسکی مهاجر و تبعیدی بود و گوئرا این وضعیت را به خوبی دریافت و در فیلم منعکس کرده بود.

در میان سینماگران ایتالیایی، بعد از آنتونیونی، &#171;تونینو گوئرا؛ بیشترین همکاری را با &#171;فرانچسکو روسی؛ داشت؛ کارگردانی که یکی از مهم‌ترین سینماگران سیاسی بعد از جنگ ایتالیا محسوب می‌شود که فیلم‌هایش مضامین عدالت‌خواهانه داشته و عمدتاً به افشای فساد سیاسی و اخلاقی در جامعه‌ی ایتالیا و مناسبات قدرت و مافیا پرداخته‌اند. فیلم &#171;ماجرای ماتئی؛ (1972؛) اولین همکاری گوئرا با فرانچسکو روسی بود و در میان کارهای مشترک آنها اهمیت زیادی دارد. این فیلم برنده‌ی نخل طلای کن شد.

فیلم &#171;سه برادر؛ نقطه‌ی اوج همکاری گوئرا و فرانچسکو روسی بود. فیلمی که بیانگر چالش عواطف انسانی و عقاید سیاسی و باورهای مذهبی متضاد سه برادر ایتالیایی بود که به دعوت پدرشان برای شرکت در مراسم تدفین مادرشان فراخوانده می‌شوند. هر یک از برادران که گرفتاری‌ها و دل‌مشغولی‌های جداگانه‌ی خود را دارند و زندگی مدرن شهری میان آنها فاصله و شکاف ایجاد کرده است، در خانه‌ی پدری حضور می‌یابند تا به جنازه‌ی مادرشان ادای احترام کنند.

&#171;شب سن لارنزو؛ (1982؛)؛ &#171;خورشید نیمه‌شب؛ (1990؛) و &#171;هرج و مرج؛ حاصل همکاری گوئرا با برادران تاویانی است که تمامی آنها، به‌ویژه فیلم &#171;هرج و مرج؛ در میان آثار درخشان سینمای هنری دهه‌ی 80 اروپا قرار دارند.

&#171;هنری چهارم؛ ساخته‌ی مارکو بلوچو (1984)، &#171;در جست‌وجوی گریگوری؛ به کارگردانی پیتر وود و &#171;کارو میشل؛ ساخته‌ی ماریو مونیچلی از دیگر فیلمنامه‌های مطرح تونینو گوئرا به شمار می‌روند.

گوئرا همچنین فیلمنامه‌ی &#171;ازدواج به سبک ایتالیایی؛ را برای ویتوریو دسیکا نوشت که در دوران جدایی دسیکا از سنت نئورئالیسم ایتالیا ساخته شد. وی همچنین فیلمنامه‌ی کم‌دی معروف &#171؛ همه حالشان خوب است؛ را برای جوزپه تورناتوره نوشت.

گوئرا سه بار برای فیلم‌های &#171؛ آگراندیسمان؛ (1971؛)؛ &#171؛ آمارکورد؛ (1970؛) و &#171؛ کازانووا؛ نامزد دریافت جایزه‌ی اسکار برای بهترین فیلمنامه شد، اما این جایزه هرگز به او داده نشد.